



## بحث: عصیر عنبی

درباره معنای لغوی عصیر و معنای اصطلاحی آن گفته شده است:

«العصیر - بحسب اللغة - عصارة الشيء المستخرجة منه بسبب عصره.

و فی الروایات أطلق علی الماء المستخرج من العنب العصیر، و علی ما یتخرج من الزبیب النقیع، و علی ما یتخرج من التمر النبیذ. و یشبه أن یکون فعیل هنا بمعنی المفعول، و المعصور حقیقة نفس العنب كما أن المنقوع نفس الزبیب و المنبوذ نفس التمر، فأطلق الألفاظ الثلاثة علی مائها بنحو من العنایة. و من هذا القبیل ایضاً قوله - تعالی - نقلاً عن صاحب یوسف فی السجن: إني أرانی أعصرُ خمرًا.

و فی کلمات الفقهاء یطلق علی الثلاثة: العصیر. فیقال: العصیر العنبی و العصیر الزبیبی و العصیر التمری. و البحث فی الحلیة و الحرمة و الطهارة و النجاسة یدرج فی الثلاثة. و لكن المصنّف هنا خصّ البحث بالعصیر العنبی. و هو علی ثلاثة أقسام: ما لم یغل، و ما غلی بنفسه، و ما غلی بالنار.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. عصیر، به معنای عصاره حاصل از شیء است که به سبب فشردن آن تحصیل می شود.
۲. در روایت آمده است که آب انگور را عصیر، آب کشمش را نقیع و آب خرما را نبیذ می گویند.  
[روایت مذکوره چنین است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْخَمْرُ مِنْ خَمْسَةِ الْعَصِيرِ مِنَ الْكُرْمِ - وَ النَّقِيعِ مِنَ الزَّبِيبِ - وَ الْبِتْعِ مِنَ الْعَسَلِ - وَ الْمِرْزُ مِنَ الشَّعِيرِ - وَ النَّبِيذُ مِنَ التَّمْرِ.»<sup>۲</sup>

۳. ممکن است بگوییم عصیر در اینجا فعیل به معنای مفعول است و لذا به معنای «انگور فشردن شده» است و اگر بر آب انگور عصیر صدق می کند این صدق، مجازی است (استعمال لفظ وضع شده برای انگور در آب انگور) و هم چنین است نقیع و نبیذ.

۴. چنانکه در آیه شریفه هم «عصر خمرًا» به معنای مجازی استعمال شده است چراکه «خمر» نتیجه «فشدن» است.

۱. دراسات فی مکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۵۴۹

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۲۵، ص: ۲۷۹



۵. اما در کلمات فقها «عصیر» بر آب انگور، آب کشمش و آب خرما اطلاق می شود و لذا عصیر عنبی، عصیر زبیبی و عصیر تمری به کار برده می شود.
۶. بحث ما در هر سه عصیر جاری است ولی مرحوم شیخ انصاری آن را تنها در عصیر عنبی مطرح کرده است.
۷. عصیر عنبی سه قسم است: الف) نجوشیده ب) آنچه خود به خود جوشیده ج) آنچه به سبب حرارت آتش جوشیده.
۸. قسم «الف» پاک است و حلال؛ و قسم دوم خمر است و یا محکوم به حکم خمر است و اما قسم سوم حرام است (مگر اینکه دو سوم آن تبخیر شود) ولی در اینکه آیا نجس است یا نه، بین علما بحث است.
۹. روایات می گوید که حلیت حاصل از ذهاب ثلثین و تبدیل شدن به شیر، مربوط به قسم «ج» است و قسم «ب» تنها در صورتی که به سرکه تبدیل شود حلال می شود.
- ما می گوییم:

- ۱) اولاً اینکه عصیر به معنای مفعول باشد، ظاهراً در کتاب های لغت مسبوق به سابقه است. لسان العرب، عصیر و معصور را به معنای آب انگور و هم به معنای خود انگور دانسته است.<sup>۱</sup> البته معجم مقاییس اللغه صرفاً معنای آب انگور را ضبط کرده است.<sup>۲</sup>
- ۲) در «عصر خمر» ظاهراً مجاز در لفظ خمر است و نه در «عصر». و لذا ذکر این آیه در اینجا تناسبی با بحث ندارد.<sup>۳</sup>
- درباره اینکه گفته شده است خمر در صورتی است که شیء خود به خود بجوشد حرف کاملی نیست چراکه سابقاً در بحث شناخت موضوعی خمر گفتیم، ممکن است در برخی صورت ها خمر را به وسیله حرارت آتش هم بتوان تحصیل کرد و یا تحصیل آن را تسریع نمود و یا نوعی خاص از آن را به وجود آورد. همانطور که ممکن است عصیر خود به خود بجوشد ولی خمر نشود.
- پس لازم است بحث را چنین مطرح کنیم:

۱. لسان العرب، ج ۹ ص ۲۳۷

۲. معجم مقاییس اللغه، ج ۴ ص ۳۴۲

۳. ن ک: نثر طوبی (دائرة المعارف لغات قرآن مجید) / شعرانی، ج ۲ ص ۵۴



عصیر عنبی

قبل از غلیان: پاک و حلال است

بعد از غلیان \*

اگر تبدیل به خمر شده است: در صورتی حلال و پاک است که تبدیل به سرکه شود

اگر غلیان یافته است ولی خمر نشده است: (چه به نفسه و چه با آتش): \*

- اگر ذهاب ثلاثین نشده است: حرام است (اما طهارت و یا نجاست آن محل کلام است)

- اگر ذهاب ثلاثین شود (تبدیل به شریه شود) حلال و پاک است.

همین مطلب را می توان از ظاهر عبارت مرحوم شیخ انصاری هم استفاده کرد. چراکه ایشان حکم عصیر (و نه خمر) اگر غلیان یافته (مطلقاً چه به نفسه و چه بالنار) را به صورت واحد مطرح می کنند و در آن تفصیل نمی دهند.

البته آنچه از دراسات خواندیم در کلمات بزرگانی از قبیل شیخ طوسی هم مطرح است:

«و العصیر لا بأس بشربه و بیعه ما لم یغل. و حدّ الغلیان الذی یحرّم ذلک، هو أن یصیر أسفله أعلاه. فإذا غلی، حرم شربه و بیعه الی أن یعود الی کونه خلّاً. و إذا غلی العصیر علی النار، لم یجز شربه الی أن یذهب ثلاثاً، و یبقی ثلثه. و حدّ ذلک هو أن یراه صار حلواً، أو یخضب الإناء و یعلق به، أو یذهب من کلّ درهم ثلاثة دوانیق و نصف، و هو علی النار، ثمّ ینزل به، و یترک حتی یبرد. فإذا برد، فقد ذهب ثلاثاً، و بقی ثلثه.»<sup>۱</sup>

۳) و لکن: ادعا شده است که:

«الأخبار المستفیضة بل المتواترة تدلّ علی اعتبار ذهاب الثلاثین فیما علی بالنار.»<sup>۲</sup>

درباره این ادعا باید در جای خود سخن بگوییم.

۴) در اینکه «آیا عصیر عنبی بعد الغلیان نجس است یا صرفاً حرام است در حالیکه نجس نیست؟» بحث

هایی مطرح است. مرحوم شیخ انصاری این بحث را بر اساس قول به نجاست مطرح می کند ولی با این

حال حکم به جواز بیع عصیر عنبی می کند.

۱. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ ص: ۵۹۱

۲. دراسات فی مکاسب المحرمة؛ ج ۱، ص: ۵۵۲